

نقش ترویج و آموزش کشاورزی در کاهش فقر روستایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

کد مقاله: ۲۱۵۲۱

مریم بازگیر^۱، بهمن خسروی پور^{۲*}، عبدالحسین شعبی^۳

چکیده

امروزه ترویج کشاورزی به عنوان یک نظام آموزش غیررسمی که قصد دارد سطح زندگی روستاییان را بهبود ببخشد با چالش‌های مهم روستایی از جمله وجود فقر در روستاها مواجه است. مسأله فقر و به ویژه فقر فاحش روستایی از جمله مسائل مهم اجتماعی است که همواره نظراندیشمندان اجتماعی را به خود جلب کرده است. رابطه بین فقر و زندگی روستایی، رابطه‌ای با ضریب همبستگی بالا و مثبت بیان شده است. به طوری که حتی برخی کشورها بطور غیرمستقیم، فقرا و محرومان را به عنوان افرادی روستایی تعریف نموده‌اند. پدیده فقر، مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در ابعاد گوناگون به بار می‌آورد. این پدیده از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی می‌شود و در روستاها ناکامی برنامه‌های توسعه کشاورزی این امر را موجب شده و می‌شود. کشاورزی بخش مهمی در توسعه اقتصادی و فقرزدایی در بسیاری از کشورهاست. یکی از عمده‌ترین دلایل عدم توفیق استراتژی‌های توسعه کشاورزی، عدم تشخیص اهمیت ترویج و سازه‌های نهادی و انسانی در توسعه هماهنگ جوامع روستایی بوده است. در این مقاله به بررسی نقش ترویج و آموزش کشاورزی در کاهش فقر روستایی پرداخته شد و در این راستا، برای گردآوری اطلاعات از منابع مکتوب و اینترنتی و اسناد موجود علمی پژوهشی استفاده و مقاله به روش تحلیلی مروری تدوین شده است.

واژگان کلیدی: فقر فاحش روستایی، توسعه روستایی، فقرزدایی، الگوهای حل مسئله

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.

۲. استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان. (نویسنده مسئول)
(b.khosravipour@gmail.com, khosravipour@asnrukh.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.

افزایش جمعیت همراه با تغییرات شدید اقلیمی و زیست محیطی پیامدهایی را در پی داشته و خطراتی که در آینده امنیت و رفاه جوامع بشری را تهدید می کنند. دیگر خطرات سنتی چون برخورد های بین المللی و تجاوز نظامی بوسیله ی قدرت های خارجی نیست، بلکه خطراتی ناشی از بی ثباتی های اقتصادی، فقر، گرسنگی و بویژه عدم وجود امنیت غذایی می باشد (ازکیا، ۱۳۸۱). فقر، یکی از مهمترین مسائلی است که اذهان سیاستگذاران، برنامه ریزان و توده مردم را به خود مشغول کرده است، پدیده ای که قطعاً هزینه ها و آسیب های متعدد دیگری را نیز به وجود آورده است. این موضوع موجب شده است که در دهه های اخیر، فقر مورد توجه محافل بین المللی و جهانی قرار گیرد، به طوری که، سالانه برنامه ها و کنفرانس های متعددی برای چاره اندیشی درباره آن برگزار شده و دهه هایی نیز با این عنوان نامگذاری شده اند. یکی از فقیرترین و آسیب پذیرترین گروه های موجود در جوامع، به ویژه در جهان سوم، روستاییان هستند (طالب و همکاران، ۱۳۸۹).

مسأله فقر و به ویژه فقر فاحش روستایی از جمله مسائل مهم اجتماعی است که همواره نظراندیشمندان اجتماعی را به خود جلب کرده است. بنابر تحقیقات فائو بیش از ۷۵ درصد از جمعیت فقیرترین کشورهای جهان که قریب به یک میلیارد نفر می باشد، در مناطق روستایی زندگی می کنند. در ایران نیز نرخ فقر در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع یکی از چالش های مهم جوامع روستایی، فقر روستایی است که اندیشه بسیاری از صاحب نظران مسائل روستایی را به خود معطوف داشته است. در روستاها به علت شرایط جغرافیا، آب و هوایی، نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، فقر قلمرو گسترده تری دارد (شاه آبادی و تلپایی، ۱۳۹۶). فقر پدیده ای فراگیر در جهان بوده و می توان آن را نتیجه تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهانی و کشوری دانست. فقر پدیده ای چند بعدی است، یعنی نه تنها شامل بعد اقتصادی برای نیازهای اساسی بلکه شامل بعد انسانی، فیزیکی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی است (یاسوری و امامی، ۱۳۹۷).

رابطه بین فقر و زندگی روستایی، رابطه ای با ضریب همبستگی بالا و مثبت بیان شده است. به طوری که حتی برخی کشورها بطور غیر مستقیم، فقرا و محرومان را به عنوان افرادی روستایی تعریف نموده اند. روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد و سرمایه های کمتری بوده و از خدمات رفاهی و اجتماعی ناچیزتری برخوردار هستند. بخش روستایی سزاوار توجه ویژه و فوری است و هرگونه برنامه ریزی برای کاهش فقر را باید از روستاها آغاز نمود. (کیان مهر و همکاران ۱۳۹۵) از دیدگاه فائو (۲۰۰۵) اکثریت فقرای روستایی، کشاورز بوده یا درآمد آنها مرتبط با فعالیت های کشاورزی است. این افراد توانایی تولید یا کسب درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی خود را ندارند. از این رو، کشاورزی در مرکز برنامه های کاهش فقر قرار گرفته است. رشد اقتصادی، ضرورت اساسی کاهش فقر قلمداد می شود که از طریق سرمایه گذاری به ویژه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی حاصل خواهد شد. (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۴). مسئله فقر به ویژه فقر روستایی از جمله موضوع هایی است که طی دو دهه اخیر به عنوان مهمترین معضل جامعه بشری، هم در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه توجه فراوانی به آن شده است (بهرامیان و کرمی، ۱۳۹۶)

فقر یکی از مهمترین و اساسی ترین موضوعات در حیطه ی توسعه روستایی محسوب می شود. با توجه به این که عمده جمعیت فقیر جهان در مناطق و بافت های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. امروزه، این مسئله آشکار شده که لازمی رسیدن به توسعه، توجه به روستاها و بخش روستایی به عنوان بخش پایه است. (جمعه پور و همکاران، ۱۳۹۰)

یکی از عمده ترین دلایل عدم توفیق استراتژی های توسعه کشاورزی، عدم تشخیص اهمیت ترویج و سازه های نهادی و انسانی در توسعه هماهنگ جوامع روستایی بوده است؛ به عبارت دیگر کیفیت (دانش، بینش و مهارت) نیروی انسانی، تعیین کننده چگونگی به کارگیری عوامل تولید است و ضعف در عملکرد تولید، به عامل انسانی مرتبط است. (پاک و همکاران، ۱۳۹۵) ترویج کشاورزی یکی از مهمترین ابزارهای سازمانی کشاورزی است، زیرا انتقال و مبادله اطلاعات را که می تواند به دانش کاربردی منتقل شود ارتقاء دهد. برنامه های ترویجی کشاورزی در اغلب کشورهای در حال توسعه برای برآوردن نیازهای مهارتی و مدیریتی کشاورزان محروم و کم درآمد ناکافی به نظر می رسند و این در شرایطی است که غفلت از برآوردن نیازهای فقرای روستایی باعث تضعیف فرآیند توسعه و افزایش فقر در این کشورها شده است.

چالش فقر، در میزان دسترسی به ۵ نوع سرمایه است که بر مبنای آنها، قادر خواهند بود فعالیت های تأمین معاش خود را انجام دهند. سرمایه های طبیعی که از آنها منابع مفید برای تأمین معاش اشتقاق می یابند. سرمایه های اجتماعی، سرمایه های انسانی که برای دنبال کردن راهبردهای معاش ضروری هستند. سرمایه های فیزیکی که زیرساخت های اساسی و ابزار تولید و لوازمی هستند که افراد را به تأمین زندگی قادر می نمایند. سرمایه های مالی که منابع مالی در دسترس افراد می باشند. همه این فعالیت ها، باید سبب کمک به فقرا برای پذیرش راهبردهای تأمین معاش شوند که برای دستیابی به نتایجی اعم از کیفیت زندگی بالاتر، کاهش آسیب پذیری، ارتقاء امنیت غذایی، عدالت اجتماعی و برابری بیشتر و سرانجام استفاده پایدار از منابع طبیعی، مناسب هستند؛ بنابراین، هر برنامه ریزی مداخله گری برای کاهش فقر بایستی در ارتباط با درک فقرا نسبت به علل فقر در نظر گرفته شود. در هر نوع برنامه ریزی ترویج کشاورزی حامی فقرا، پس از شناسایی فقرا بر مبنای دسترسی آنها به منابع، آنها باید براساس نوع نگریشان به فقر طبقه بندی شوند و سپس دست اندرکاران ترویج می توانند مطابق با آن، برنامه های کاهش فقر را طراحی نمایند. (کیان مهر و همکاران، ۱۳۹۵).

با روند جهانی سازی کشاورزی، تأکید و تمرکز اصلی روی افزایش باروری و بهره وری است. در گذشته تأکید اصلی روی ترویج مبتنی بر تولید بوده است. بسیاری از کشاورزان سهم عمده ای از تکنولوژی های تولید خود را مدیون نظام های ترویج هستند. نظام

ترویجی باید با دانش و مهارت‌های مرتبط با بازار هم‌سو باشد. این نونما شدن مجدد سیستم ترویجی قطعاً نقش تسهیل‌گری را برای هدایت ترویج مبتنی بر کشاورز و مبتنی بر بازار به دنبال خواهد داشت که می‌تواند در کاهش فقر، مفید باشد. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴). هر نهادی که می‌خواهد اولویت کار خود را حمایت از فقرا قرار دهد نیازمند اطلاعات جدید، الگوها و رهیافت‌های روشنی است که بر مبنای آنها بتواند فعالیت‌ها و مأموریت‌های خود را در ارتباط با کاهش و ریشه کنی فقر به انجام برساند.

دلایل و مدارک در ایران نشان داده است که روند افزایش فقر در حال اتفاق است. فقر موجب پیدایش بیماری‌های اجتماعی و فساد در جامعه می‌شود. کاهش فقر به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث توسعه می‌باشد. تعدادی از محققان اقتصاد توسعه نظیر امانو و همکاران (۱۹۹۵) بر این عقیده هستند که مبارزه با فقر شرط لازم برای رشد است. (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۸) کشور ما نیز همانند کشورهای در حال توسعه با مسئله فقر و گستردگی این پدیده در نواحی روستایی مواجه است و از مهم‌ترین مشکلات نواحی روستایی به شمار می‌رود. گفته شده که در هر سطحی از مصرف نرخ فقر در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است. فقر در نواحی روستایی مسائلی چون ایجاد نابرابری در درون جامعه روستایی، مهاجرت به شهرها، تخلیه روستاها، آسیب پذیری محیطی روستاها، بالا رفتن آمار بزهکاری، کاهش امنیت عمومی و بسیاری از مسائل دیگر را در پی دارد (خراسانی و محمدی، ۱۳۹۹).

(محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۴) در پژوهش خود در مورد عوامل موثر بر فقر در نواحی روستایی در دهستان محمودآباد نشان دادند که عامل‌های دارایی، تحصیلات و اعتبارات بانکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر توزیع فضایی فقر در محدوده مورد مطالعه بوده‌اند. یکی از مسائلی که کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه درگیر آن هستند، مسئله فقر به طور عام و فقر روستایی به طور خاص می‌باشد (شرافت و همکاران، ۱۳۹۸). بانک توسعه جهانی (۲۰۰۷) بر ترویج کشاورزی بعنوان عامل توسعه‌ای مهمی برای افزایش کشاورزی جامع و پایدار و در نتیجه توسعه اقتصادی و کاهش فقر تأکید دارد.

جدول ۱: پیشینه‌ی تحقیقات انجام شده در مورد فقر روستایی، منبع: (خراسانی و محمدی، ۱۳۹۸)

محقق	سال	عنوان	خلاصه‌ی نتایج
پورطاهری و همکاران	۱۳۸۹	عوامل مؤثر بر کاهش فقر خانوارهای روستایی	در میان عوامل و زمینه‌های اجتماعی تنها سه عامل سن سرپرست خانوار، نوع بیمه و شاخص احساس محرومیت دارای رابطه‌ی مستقیم با فقر بوده‌اند. عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی نقش بیشتری در شکل‌گیری فقر در منطقه‌ی مورد مطالعه دارد.
طالب و همکاران	۱۳۸۹	فراتحلیل مطالعات فقر در جامعه‌ی روستایی ایران	فقر را باید از جنبه‌های اجتماعی و با رویکردهای انسانی و مشارکتی تحلیل کرد. علاوه بر این، در مطالعات یادشده، موضوعاتی مانند آثار گوناگون فقر بر اقشار مختلف جامعه‌ی روستایی، سیاست‌های فقرزدایی و ارزیابی آثار آنها و نیز اثر پدیده‌های کلان مانند جهانی شدن بر فقر روستایی بررسی نشده است.
گریوانی و همکاران	۱۳۹۲	بررسی عوامل فقر خانوارهای روستایی در اصفهان	متغیرهای جنسیت سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، مخارج آموزشی خانوار و شغل سرپرست خانوار در سطح ۹۹ درصد و متغیر بار تکفل با اطمینان بیش از ۹۵ درصد تأثیری معنی‌دار بر فقر دارند.
یگانه و همکاران	۱۳۹۳	عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر خانوارهای روستایی	عامل دارایی، تحصیلات و اعتبارات بانکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در محدوده‌ی مورد مطالعه است.
صدرموسوی و همکاران	۱۳۹۸	بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر گسترش فقر روستایی در شهرستان میاندوآب	ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری دولتی، افزایش مهاجرت فصلی و محدودیت سرمایه‌گذاری و اشتغال، ضعف فرهنگ اجتماعی و مخاطرات طبیعی، بروز خشکسالی و کاهش درآمد و... از مهم‌ترین عوامل پخش و گسترش فقر در مناطق روستایی شهرستان میاندوآب است.
Dzanku	۲۰۱۵	معیشت و فقر گذرا روستایی در غنا	موقعیت فضایی خانوارها، عوامل جمعیت شناختی، آموزش و پرورش و تفاوت قیمت‌های مصرف کننده‌ی مهم‌ترین عوامل تعیین کننده‌ی رفاه خانوارهای روستایی است.
Liu et al	۲۰۱۷	الگوهای زمانی مکانی فقر در چین	نسبت افراد فقیر در چین نشانگر توزیع نامتوازن افراد فقیر روستایی است. فقر در چین عمدتاً در مناطق کوهستانی و مناطق مرزی تمرکز دارد.
&Padda AbdulHameed	۲۰۱۸	تخمین میزان فقر چندبعدی در روستاهای پاکستان: کمک به سیاست‌های توسعه‌ی پایدار	۴۴ درصد از خانوارهای پاکستان در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند. برای کاهش فقر باید منابع مالی اضافی برای رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت تأمین آب و توسعه‌ی کشاورزی اختصاص یابد.
McAreavey Brown &	۲۰۱۹	تحلیل تطبیقی فقر و نابرابری روستایی بین بریتانیا و ایالات متحده‌ی آمریکا	جهت کاهش فقر روستایی باید تعیین تأثیر محل سکونت بر احتمال فقر در سطح فردی و خانوادگی، مدت زمان رنج بردن از فقر و احتمال خروج از فقر تحت تأثیر سایر متغیرهای دارای همبستگی با فقر انجام شود.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش مروری و با بهره‌گیری از مطالعات پیشین در جهت تبیین نقش ترویج و آموزش در کاهش فقر روستایی انجام گردیده است. در این راستا، برای گردآوری اطلاعات، از مقاله‌های اینترنتی، منابع کتابخانه‌ای و مکتوب و اسناد علمی پژوهشی در زمینه‌های مرتبط با پژوهش استفاده گردید.

۳- مبانی نظری

۱-۳- مفهوم فقر

فقر می‌تواند گسترده، چندبعدی، ذهنی، متغیر در طول زمان، قابلیت‌ی و فقر رفاهی باشد و برحسب هنجارها، مقایسه‌ها و توقعات، نسبی به نظر آید. فقر، ابعاد مادی و معنوی دارد. فقر معنوی یعنی نبود قدرت تصمیم‌گیری در زندگی، که می‌تواند نوعی ناتوانایی فکری و روانی و فقر فرهنگی هم تلقی شود. فقر می‌تواند بر تمام ابعاد توسعه پایدار اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست محیطی تأثیر بگذارد (قرنی آرانی، ۱۳۹۳). صفر خانلو و محمدی نژاد (۱۳۹۰) در پژوهش خود فقر مطلق را عدم توانایی فرد یا خانوار در تامین حداقل نیاز توصیه شده انرژی سرانه در روز و تامین پوشاک، سرپناه و بهداشت و درمان ذکر کرده‌اند. در شرایط فقر مطلق شدید نیز افراد و خانوارها قادر به تامین بیش از ۸۰ درصد از کالری مورد نیاز خود نمی‌باشند؛ اما فقر نسبی عبارت است از پایین تر بودن درآمد فرد از متوسط درآمد جامعه (خراسانی و محمدی، ۱۳۹۸).

"تانسند" فقر را به این صورت تعریف می‌کند «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند» (کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). فقر انواع گوناگونی دارد و می‌تواند حاد باشد و اگر برنامه‌ریزی برای آن صورت نگیرد، مزمن شود. فقر تنها ناشی از محرومیت مادی نیست، بلکه به طور عمده، پدیده‌ای اجتماعی است که موجب می‌شود اشخاص فقیر از ظرفیت و توانایی خویش درک صحیحی نداشته باشند (چمبرز، ۱۳۸۷).

۲-۳- انواع فقر

فقر درآمدی: محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت از جمله نیازهای اساسی است که نبود آنها فقرا را از داشتن زندگی مطلوب محروم می‌سازد (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۷).

فقر قابلیت: در این رویکرد ملاک تشخیص فقر و محرومیت، دستیابی به کارکردهایی در زندگی است که برای افراد مطلوب و ارزشمند است. از جمله این کارکردها تغذیه کافی، برخورداری از خدمات بهداشتی، دسترسی به آموزش و پرورش، مشارکت در تصمیمات گروهی و غیره است. مجموعه این کارکردها قابلیت افراد را تشکیل می‌دهند. هدف رویکرد قابلیت به فقر، انکار درآمد پایین به عنوان یکی از عوامل دخیل در فقر نیست، بلکه این رویکرد به این موضوع می‌پردازد که صرف برخورداری از درآمد کافی و متعارف جهت تامین مایحتاج زندگی نمی‌تواند تعیین کننده عدم محرومیت افراد تلقی شود، بلکه توانایی یا عدم توانایی تبدیل این قابلیت است که می‌تواند محرومیت یا عدم محرومیت افراد را مشخص سازد (محمودی و همکاران، ۱۳۸۴).

فقر روحی و روانی: فقر روحی شامل عدم دسترسی به خدمات، افزایش حجم کار و ترد شدن از جامعه است، خروج اعضای خانواده کشاورز از جامعه خود، از فعالیت‌های اجتماعی و گروه‌های اجتماعی منجر به از دست دادن سرمایه اجتماعی می‌شود (سلمان شهرکی، ۱۳۹۴).

۳-۳- شاخص‌های فقر روستایی

صلاحی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود شاخص‌های فقر روستایی را در جدول (۲) نشان داده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های فقر روستایی (منبع: صلاحی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۶)

ابعاد	مولفه	شاخص و گویه
اقتصادی	درآمد	۱- عدم استفاده از فرآورده‌های پروتئینی، ۲- عدم استفاده از لبنیات و حبوبات، ۳- عدم استفاده از انواع میوه و سبزیجات
		۱- عدم رضایت از میزان درآمد، ۲- عدم پس انداز، ۳- عدم دسترسی به وام‌ها و اعتبارات بانکی، ۴- ناتوانی در خرید یا دسترسی به انواع نهاده‌ها ۵- عدم توان سرمایه‌گذاری در امور کشاورزی، ۶- عدم دسترسی به بازار محصولات کشاورزی
محیطی	مسکن	۱- بی‌دوامی مصالح بکار رفته در مسکن، ۲- بی‌دوامی سازه واحدهای مسکونی، ۳- میزان تأثیر معماری واحدهای مسکونی روستایی در عدم صرفه جویی انرژی، ۴- کمبود فضای واحد مسکونی، ۵- میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات، ۶- میزان دسترسی به امکانات، ۷- عدم رضایت از معماری مسکن

ابعاد	مؤلفه	شاخص و گویه
اجتماعی	آموزش	۱-عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، ۲-عدم دریافت نشریه ترویجی، ۳-عدم برخورداری از امکانات ترویجی بر اساس استفاده از مرکز خدمات جهاد کشاورزی در روستا، ۴-عدم وجود مدارس نوساز با کیفیت برای تحصیل فرزندان، ۵-نبود معلمان خوب و با تجربه برای تحصیل فرزندان
	بهداشت	۱-عدم دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه)، ۲-وجود مشکلات بهداشتی ناشی از جانوران مودی (موش، مگس و غیره)، ۳-عدم وجود جایگاه دفع زباله، ۴-نداشتن روش‌های بهداشتی جمع‌آوری زباله
	ارتباطات اجتماعی	۱-عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی روستا، ۲-نداشتن رابطه خوب با همسایگان و اهالی روستا، ۳-عدم توجه به سرنوشت دیگران (مهم نبودن سرنوشت افراد)، ۴-ناتوانی در دفاع از حق خود (گوشه‌گیری)، ۵-عدم وجود راه‌های مناسب برای حمل و نقل، ۶-وجود فاصله زمانی زیاد تا مراکز شهر، ۷-عدم رضایت از حمل و نقل عمومی، ۸-استفاده از شبکه‌های اجتماعی
	ذهنی (روانی)	۱-عدم رضایت از وضع موجود زندگی، ۲-نداشتن انگیزه برای بهبود وضعیت خود، ۳-عدم امید به بهتر شدن آینده، ۴-معتقد نبودن به ثروت و ثروتمندان، ۵-وجود حس محرومیت، ۶-اعتقاد به وجود بی‌عدالتی در حق خود

۴- ترویج کشاورزی و فقر زدایی

توسعه روستایی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیرند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. به عبارتی می‌توان گفت که توسعه به دنبال تغییر وضع موجود یک جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب بوده که با توجه به ساختارهای جامعه ترسیم شده است. توسعه روستاها بنا به پیوند ناگسستنی و عمیق با بخش کشاورزی در گرو اصلاح، بهبود و توسعه سازمان بخش کشاورزی در فضاهای روستایی است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۲). از مهمترین عوامل رسیدن به عدالت اجتماعی، برنامه‌های کاهش فقر است. کاهش فقر همواره هدف اساسی سیاست‌های عمومی به موافقت نامه‌های بین المللی بوده و نخستین هدف از اهداف توسعه هزاره است. این موضوع یک عنصر محوری در بحث و گفتگوی دستورکار توسعه پسا ۲۰۱۵ بوده و بسیاری از کشورها سیاست‌های اجتماعی خود را برای محور کاهش فقر قرار داده‌اند (راغفر و اسفندیار، ۱۳۹۴).

نگرش برنامه‌ریزان به بخش کشاورزی نباید صرفاً به مثابه نوعی «ماشین تولید» باشد بلکه باید روستا را بستر زندگی و معیشت بخشی از جمعیت انسانی کشور در نظر گرفت که نیازمند است این بخش همگام با سایر بخش‌های اقتصادی به نحوی مؤثر در مسیر توسعه گام بردارد تا با چنین رویکردی عرصه‌های توسعه روستایی و کشاورزی همسو با یکدیگر عمل کنند و رویکرد هم‌افزایی داشته باشند (بدری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین یکی از راه‌های ناگزیر پیشرفت و جلوگیری از افزایش فقر روستاییان، توجه به وضعیت معیشتی خانوار روستایی است. در فرهنگ آکسفورد، معیشت پایدار وسیله‌ای حمایتی تعریف شده است که صرفاً برای مصرف و درآمد نیست، بلکه وسیله‌ای برای زندگی ایمن محسوب می‌شود. اولین بار چمبرز در دهه ۱۹۸۰ این مفهوم را مطرح کرد و کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست آن را به رسمیت شناخت. مفهوم مهم و مرکزی در ایده معیشت پایدار، ایمنی معیشت است (شکوری و همکاران، ۱۳۹۳).

تغییراتی عمده در تفکر روستایی در نیم قرن گذشته رخ داده و رهیافت معیشت پایدار روستایی به طور بالقوه در کشورهای درحال توسعه در تلاش برای کاهش فقر روستایی، مطرح شده است. رهیافت معیشت پایدار بر تفکری جامع و منسجم درباره کاهش فقر و توسعه روستایی تأکید نموده و به سرعت محبوبیت زیادی در میان محققان و دست‌اندرکاران توسعه بدست آورد. رهیافت معیشت پایدار در طول سال‌های گذشته، بهترین روش برای پرداختن به مسائل فقر و توانمندسازی فقرا بوده است. رهیافت معیشت پایدار یکی از رویکردهای تحلیلی جدید در زمینه توسعه روستایی است و در سال‌های اخیر به منظور توسعه روستایی و کاهش فقر مورد توجه قرار گرفته است و از جمله رویکردهایی است که سعی دارد مشکل فقر و آسیب‌پذیری خانوارها را بر محوریت انسان حل کند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۴). در وجود انسان دو نیروی اساسی نهفته است، یکی نیروی جسمانی و دیگری نیروی فکری. با توجه به رشد و توسعه فناوری بر همگان آشکار است که سهم و اهمیت نیروی فکری در مقایسه با نیروی جسمی حیاتی‌تر است. بدین ترتیب مشاهده می‌شود همه چیز در نیروی تفکر انسانی و اولویت آن جمع می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که برای نیل به اهداف توسعه لازم است سرمایه‌گذاری را در این زمینه تقویت کرد. ایجاد قابلیت تفکر و توسعه نیروی فکر صرفاً از طریق فرآیند آموزش امکان پذیر بوده و تاکنون راه دیگری جهت نیل به این هدف ابداع نگردیده است (برادران و همکاران، ۱۳۹۵). آموزش، بنیان توسعه کشاورزی است. ترویج مکتب تحقق آموزش روستاییان است پس آموزش مبتنی بر این مکتب، بنیان توسعه روستایی است. ترویج کشاورزی دارای کارکردهای متعددی چون افزایش و بهبود معیشت، آموزش به کشاورزان و افزایش تولید است که می‌تواند از آنها برای ایفای نقش‌های دیگری چون کاهش فقر بهره‌بردار (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴).

برای مواجهه با مسائلی از قبیل فقر روستایی، الگوها و مدل‌های حل مسئله‌ای نیاز است که جهت‌گیری آنها به سمت کشاورزان ضعیف و فقرای روستایی باشد. جهت‌دهی فعالیت‌ها به سوی فقر زدایی، نیازمند تغییر نگرش‌ها در نظام ترویج کشاورزی می‌باشد و

به منظور منسجم نمودن فعالیت‌ها، باید رهیافت و الگوی مناسبی را به کار گرفت. بی‌شک، عاملین ترویج با توجه به نقش و مسئولیتی که طی سالیان متمادی بر عهده داشته‌اند، از جمله کسانی هستند که در متن جریانات و تحولات جامعه روستایی قرار داشته و عموماً دارای دیدگاه‌های واقعی‌تر از نیازهای جامعه روستایی بوده و بهتر می‌توانند درباره جهت‌گیری برنامه‌های ترویجی قضاوت نمایند (کیان مهر و همکاران، ۱۳۹۵).

رشد سریع جمعیت و تامین غذای کافی برای جمعیت رو به افزایش جهان، پیشرفت علم و فن‌آوری، مبارزه با فقر و گرسنگی، کشاورزی تجاری با رقابت نسبی بالای سرمایه‌گذاری و اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، بهبود سطح زندگی و رفاه کشاورزان و روستاییان، بخش کشاورزی را با چالش‌های رقابتی فزاینده‌ای روبه‌رو کرده است. یکی از موثرترین و مهمترین منابع سازمان، نیروی انسانی آن است که اگر به درستی تربیت شده و توانا باشد می‌تواند سازمان را پویا و منابع متنوع و فراوانی را برای سازمان خود فراهم سازد؛ بنابراین راهکار اصلی برای کارآمدی و اثربخشی «آموزش منابع انسانی و ترویج مفاهیم کشاورزی» است. آموزش و ترویج همواره به‌عنوان وسیله‌ای مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت مدنظر قرار می‌گیرد و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حاد هر سازمان را تشکیل می‌دهد و باعث رکود سازمان می‌شود (شیری و همکاران، ۱۳۹۶). با تغییر پارادایم ترویج کشاورزی از انتقال تکنولوژی‌ها و نوآوری به سمت فرآیند یادگیری‌های اجتماعی، لازم است تا در زمینه‌هایی مانند ارزش‌ها، شیوه‌ها و حتی روش‌های آموزشی ترویجی نیز تغییراتی ایجاد شود. در این راستا، نقش سنتی مأمور تغییر نیز باید از انتقال تکنولوژی یا نوآوری‌ها به سمت ایفای نقش تسهیل‌گری حرکت کند. برای این منظور نیز باید از فرآیندهایی مانند افزایش سرمایه‌اجتماعی، فرآیندهای یادگیری گروهی در راستای طراحی، توسعه و بکارگیری نوآوری‌های کمک‌کننده استفاده کنند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۵).

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود بیان می‌کنند، ترویج کشاورزی نقشی اساسی در بحث فقرزدایی ایفا می‌کند. براساس یافته‌های این مطالعه، توانمندسازی جامعه بعنوان مناسب‌ترین استراتژی در فقرزدایی می‌باشد. شانس بیشتری وجود دارد که مردم و کشاورزان در فعالیتهای ترویجی کسب و کارهای درآمدزا مشارکت کنند، اما مشروط بر آنکه آنها توانمند شوند. تأکید اصلی باید روی آموزش باشد تا بدین وسیله مردم، با اطلاعات لازمی که برای ریشه کن کردن فقر نیاز دارند، تجهیز شوند. کشاورزان باید تشویق شوند تا انجمن‌هایی را تشکیل دهند که آنها را قادر سازد تا بتوانند براهی تسهیلات اعتباری و وام و منابع لازم را برای سرمایه‌گذاری دریافت کنند. ترویج تولید محور که تأکید بر ارائه اطلاعات فنی برای افزایش تولید و بهره‌وری کشاورزی است، ممکن است بر پدیده فقر، بویژه اگر ریشه در مسائل اجتماعی مانند انزوای حاشیه نشینی و فقدان دسترسی به منابع داشته باشد، تأثیر چندانی نداشته باشد. هرچند تردیدی نیست که دسترسی به دانش و اطلاعات می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر کاهش فقر بگذارد، اما قبل از تعریف جایگاه ترویج در فرآیند فقرزدایی باید عوامل ایجاد فقر به طور دقیق شناسایی شوند و اگر این عوامل به زمینه غیرکشاورزی مرتبط باشند، ترویج باید در آن حیطه‌ها نیز نقش ایفا کند (فمی و همکاران، ۱۳۸۷).

اگرچه خانوارهای فقیر از بسیاری امکانات و منابع برای دسترسی به رفاه نسبی محروم هستند و به شکلی نابرابر در مقایسه با سایر خانوارها قرار دارند، اما درون این خانواده‌ها نیز توزیع منابع محدود به صورتی نابرابر صورت می‌گیرد. شواهد حاکی از آن است که مسأله‌ی جنسیت یکی از عوامل مهمی است که باعث شده است تا درون خانوارها، زنان از بسیاری از حقوق و امکانات محروم شوند و در نتیجه، نسبت به مردان فقیرتر باشند. شایان ذکر است که این منابع فقط به امکانات مادی کمتر زنان اشاره ندارد، بلکه برخورداری از سطح آموزشی پایین‌تر، تقسیم کارنا عادلانه، ساعات کار بیشتر و فعالیت‌های اجتماعی محدودتر را نیز در مورد زنان شامل می‌شود (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۶). اگر قرار است خدمات ترویجی در راستای فقر زدایی باشد باید به توانمندسازی زنان و گروه‌های اقلیت و فقرای روستایی، ظرفیت‌سازی فردی و نهادی و افزایش تقاضا برای آن دسته از خدمات ترویجی که قبلاً در سطح محدود ارائه می‌شدند توجه کند. خدمات ترویجی فقرمحور باید مشکلات سازمانی، اجتماعی و خلق نوآوری در مناطق روستایی را از طریق تسهیل دسترسی روستاییان و فقرا به منابع اعتباری، بهبود دسترسی آنها به زمین و مهارت‌های مدیریت منابع اشتراکی، برطرف کنند (فمی و همکاران، ۱۳۸۷).

خدمات رسانی ترویج برای زنان روستایی باید به دنبال فراهم کردن سه هدف اساسی افزایش بهره‌وری کشاورزی، برابری جنسیتی و ریشه کنی فقر روستایی باشد و دستیابی به این اهداف، آنگاه امکان‌پذیر می‌شود که مباحث و دیدگاه‌های جنسیتی در سازمان ترویج، تلفیق و نهادینه گردد (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۱).

۵- نتیجه‌گیری

ترویج کشاورزی ابزاری مفید و کارآمد است که در صورتی که به وظایف خود به خوبی عمل کند میزان بهره‌وری را افزایش می‌دهد و باعث افزایش درآمد شده که می‌تواند نهایتاً در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته به فقرزدایی بیانجامد. اگر قرار باشد که ترویج به فقرزدایی کمک کند، بسیار مهم است که استراتژی‌های معیشتی گوناگون شناسایی گردد و راه‌ها و کاربردهای گوناگون تصمیمات کشاورزان مورد شناسایی قرار گیرند. ترویج باید گزینه‌هایی درخور داشته باشد که بتواند در موقعیت مناسب تغییراتی را ایجاد کند که با موقعیت کشاورزان مرتبط و مناسب باشد. افزایش تولید و تجاری‌سازی و مدرن‌سازی کشاورزی تنها راه‌حلی است که منجر به ریشه کن کردن فقر می‌شوند، نمی‌باشد و دربرخی موارد انتخاب‌ها و راه‌حل‌های مناسبی نمی‌باشد. ترویج باید به افزایش توانایی کشاورزان برای ایجاد انتخاب‌های آگاهانه برای پذیرش و اتخاذ راهکارهای گوناگون تولید و ثروت و اتخاذ استراتژی‌هایی

که مناسب با موقعیت‌های خاص و سرمایه‌های نهادی و سازمانی و اجتماعی است، کمک کند؛ و در این راستا گسترش مطالعات علمی در نواحی روستایی در راستای شناسایی عوامل موثر در ایجاد فقر در روستا و برنامه‌ریزی و کوشش مستمر برای ارتقاء این مطالعات و بهره‌گیری کاربردی و عملیاتی از نتایج آنها یک ضرورت تمام و قطعی است.

۶- پیشنهادها

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد، نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌شود ترویج برای کاهش فقر در مناطق روستایی ضمن ریشه‌یابی علل فقر به دنبال آموزش روستاییان در زمینه‌هایی چون مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی باشد چرا که فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌تواند به عنوان مرکزی برای امرار معاش روستایی تبدیل شود و از این طریق موجب تنوع بخشیدن به درآمد از راه‌هایی مانند صنایع دستی، بافندگی و غیره گردد.

شواهد نشان می‌دهد که سازمان‌های ترویجی کشورهای در حال توسعه، خدماتی شایسته را به زنان روستایی ارائه نمی‌دهند و تنها، در کشورهای انگشت شمار راه‌حل ساختاری شایسته‌ای برای کمک به زنان روستایی که در خانه و مزرعه کار می‌کنند ارائه می‌دهند. از این رو پیشنهاد می‌شود خدمات ترویج با تحت پوشش قرار دادن زنان روستایی، آنها را توانمند سازد تا بتوانند در کاهش فقر خانوار روستایی نقش ایفا کنند. همچنین به منظور کاهش فقر در جوامع روستایی در بلند مدت می‌توان با ارائه آموزش‌های ترویجی بر مبنای نیازسنجی واقعی می‌توان برنامه‌هایی برای اشتغال زایی، توانمندی سازی مردم روستا، ترویج و گسترش الگوهای تغذیه مناسب تاسیس مراکز بهداشتی و درمانی و فراهم نمودن امکانات لازم برای دسترسی آسان به مواد غذایی طراحی و اجرایی نمود.

منابع

۱. ابراهیمی، م. و میرزایی، خ. ۱۳۹۴. ارزیابی انواع استراتژی‌های ترویج کشاورزی برای ریشه کنی فقر و توانمندسازی کشاورزان. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع. تهران، ۲۶ خرداد ۱۳۹۴.
۲. اسلامی، م.، چیدری، م.بیژنی، م. ۱۳۹۵. تدوین رویه‌های آتی برای ترویج کشاورزی در راستای بهبود رفتارهای صرفه جویی از آب. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین آلمان، تیرماه ۱۳۹۵.
۳. ازکیا، م. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. انتشارات اطلاعات. تهران. ایران.
۴. افراخته، ح.، حجی پور، م.، گرزین، م.، نجاتی، ب. ۱۳۹۲. جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه توسعه ایران (مورد: برنامه های پنج ساله پس از انقلاب). فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۲، صص ۶۳-۴۲.
۵. بدری، س. ع.، رکن‌الدین افتخاری، ع.، سلمان، م.، بهمند، د. ۱۳۹۰. نقش نظام های بهره برداری زراعی (خانوادگی) در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قیر و کارزین استان فارس). پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۰. صص ۴۸-۳۳.
۶. برداران، م.، خسروی پور، ب.، عابدی، ب. ۱۳۹۵. مباحث بنیادین در آموزش عالی کشاورزی. انتشارات دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان.
۷. بسحاق، م.، تقدیسی، ا.، تقوایی، م. ۱۳۹۴. ارائه مدلی برای تبیین فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
۸. بهرامیان، س. و کرمی، آ. (۱۳۹۷). بررسی روند فقر در مناطق روستایی ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱۰، شماره ۴ (پیاپی ۴۰). صص ۱۹۵-۲۱۴.
۹. پاک، پ.، خسروی پور، ب. ۱۳۹۵. مصرف بهینه آب و نقش ترویج کشاورزی. سومین کنفرانس ملی کشاورزی و توسعه پایدار، خرداد ۱۳۹۵.
۱۰. جمعه پور، م.، احمدی، ش. ۱۳۹۰. تاثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی: (مطالعه موردی روستای برغان، شهرستان ساوجبلاغ). فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
۱۱. چمبرز، ر. ۱۳۸۷. توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرای روستایی (ترجمه مصطفی ازکیا). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. حکمتی فرید، ص. و فتاحی، ف. و محمدزاده، ی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی های سرپرست خانوار بر فقر و شدت فقر خانوارهای روستایی استان آذربایجان غربی. مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی سال ۸، شماره ۲ (پیاپی ۲۵)، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۸-۴۱.
۱۳. حیاتی، د. رضائی مقدم، م.، ولیزاده، ن. ۱۳۹۶. تحلیل سازه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی در بین خانوارهای فقیر کشاورز: (مورد مطالعه مناطق روستایی شهرستان سروستان فارس). علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۳، شماره ۱، ۱۳۹۶.

۱۴. خدادکاشی، ف.، باقری، ف.، ۱۳۸۴. نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی (۱۳۷۹-۱۳۷۱). فصل نامه پژوهش های اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۴، فصول ۳۱-۴۲.
۱۵. خراسانی، م. و محمدی، م. (۱۳۹۸). سنجش و تحلیل فقر در نواحی روستایی شهرستان کوهدشت. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره ۱۰، شماره زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۷-۵۳.
۱۶. راغفر، ح. اسفندیارپور، م. (۱۳۹۴). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ (با استفاده از روش الکایر فوستر) مجله راهبرد اقتصادی، دوره، شماره ۱۳، صص ۲۰۱-۲۳۳.
۱۷. سپه پناه، م. موحدی، ر. (۱۳۹۴). کارآفرینی پایدار رویکردی نو در کشاورزی، نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۹-۳۶.
۱۸. سلمان شهرکی، وحید، ۱۳۹۴. بررسی مدیریت خشکسال در بین کشاورزان از منظر فقر روستایی: شهرستان هیرمند، پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان.
۱۹. شادی طلب، ژ.، حجتی کرمانی، ف.، ۱۳۸۷. فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی. رفاه اجتماعی دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۳۵-۶۵.
۲۰. شاه آبادی، ا. مهری تلیایی، ف. (۱۳۹۶). تاثیر انباشت تحقیق و توسعه (داخلی و خارجی) و سرمایه انسانی بخش کشاورزی بر فقر مناطق روستایی ایران. فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۶، صص ۱-۱۴.
۲۱. شرافت، س. ازکیا، م. وثوقی، م. سیدمیرزایی، س. (۱۳۹۸). گردشگری روستایی راهبردی برای تحقق توسعه روستایی (مورد مطالعه: فقر روستاهای دهستان میشخاص از توابع بخش سیوان، شهرستان ایلام). نشریه جغرافیایی فضای گردشگری دوره ۸، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۸، صص ۵۷-۷۷.
۲۲. شکوری، ع.، بهرامی، ش.، ۱۳۹۳. مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار (مورد روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری). توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۲۳. شیری، ا.، محمدیار، س.، اکبری، پ.، ارجی، ع.، ۱۳۹۶. نقش ترویج و آموزش منابع انسانی در بهبود عملکرد تولید و بهر هوری گیاه دارویی آویشن *Thymus Vulgaris* در غرب کشور، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۶.
۲۴. صلاحی اصفهانی، گ. و ایران شاهی، ع. و غفاری، س. و تالشی، م. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت با استفاده از روش های خودهمبستگی فضایی. مدیریت شهری، ۱۷ (۵۱)، ۱۰۷-۱۲۷.
۲۵. طالب، م.، پیری، ص.، محمدی، س.، ۱۳۸۹. فراتحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران. توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۲۶. طاهری، فاطمه، خسروی پور، بهمن، ۱۳۹۲. تعاونی راهکاری در راستای افزایش تولید، کاهش فقر و توسعه پایدار روستایی. دومین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم.
۲۷. علی بیگی، ا. ح.، بابای، م. ح.، غلامی، م. (۱۳۹۲). تحلیل انگیزه های زنان روستایی برای مشارکت در برنامه های آموزشی و ترویجی، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲.
۲۸. فمی، ح.، کلانتری، خ.، اسدی، ع.، ۱۳۸۷. مباحث نوین در ترویج و آموزش کشاورزی. انتشارات خوشبین با همکاری گروه اطلاع رسانی و ارتباط علمی، پژوهشی.
۲۹. قرنی آرنای، ب. ۱۳۹۳. بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی، مطالعه موردی روستای لزور. پژوهشهای روستایی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۶۷-۴۸۸.
۳۰. کبان مهر، ن.، حیاتی، د.، ۱۳۹۵. ضرورت و اعتبارسنجی مدل ترویج کشاورزی حامی فقرا از دیدگاه کارکنان ترویج کشاورزی استان فارس. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۲، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۳۱. محمودی و صمیمی فر، ق.، ۱۳۸۴. مفهوم و روشهای سنجش اندازه گیری فقر و نابرابری/فقر قابلیت. رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۷-۳۲.
۳۲. موسوی، م.، احمدزاده، م.، ۱۳۸۸. آموزش توسعه ای و توسعه پایدار. راهبرد یاس، شماره ۱۸ تابستان ۸۸. ستهای قلعه نو و کلین شهرستان ری). توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳۳. نوروزی، م.، حیاتی، د.، ۱۳۹۴. سازه های مؤثر در زمینه معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۱، ۱۳۹۴.
۳۴. یاسوری، م. امامی، ف. (۱۳۹۷). سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی (نمونه موردی: دهستان سراوان، شهرستان رشت). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال ۱۸، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۷، صص ۹۵-۱۱۴.